

The Cultural Impact Emphasizing Divine Traditions in Verse 7 of Surah Ibrahim on Promoting Joy and Hope in Society *

Received: 2023/05/28

Accepted: 2023/11/25

10.22034/JKSL.2023.390581.1211

20.1001.1.27833356.1402.4.4.5.2



**Fateme Khashei

***Mahdi Habibollahi

Type of Article: Researching

****Mohammad Reza Shamshiri

Abstract:

Fostering a spirit of joy and hope in society, with its diverse benefits, leads people to exert efforts with multiplied energy, resulting in comprehensive progress in various fields. The question now arises: how can we create and enhance enthusiasm and hope in society? This research, using a descriptive-analytical method, examines verse 7 of Surah Ibrahim, revealing two divine traditions related to the effects of gratitude and ingratitude for blessings. The spirit of gratitude and avoidance of ingratitude are indispensable factors in creating and elevating levels of hope, happiness, enthusiasm, effort, self-esteem, and positivity. The goal of this research is to demonstrate that the divine traditions in this verse, considering their characteristics, convey a message that can significantly contribute to cultivating a general culture based on them, playing a substantial role in fostering gratitude and avoiding ingratitude, consequently spreading joy and hope in society. Following the definition of traditions and an examination of their characteristics, the existence of two traditions in verse 7 of Surah Ibrahim is established. Subsequently, the impact of each feature of these two traditions on the development of a spirit of gratitude and avoidance of ingratitude is explored. The influence of this spirit on creating joy and hope is then highlighted. Finally, inspired by the Quranic

*. This article is taken from the doctoral thesis of "Fateme Khashei" under the title "Applicable analysis of how to manage in the field of individual life according to Quranic teachings relying on divine traditions" which was supervised by "Dr. Mehdi Habibollahi" and consulted by "Dr. Mohammad Reza Shamshiri" in "Islamic Azad University, branch of Isfahan (Khorasgan)"

** . Ph.D. student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

*** . Assistant Professor, English Language Department, Baqir Al-Ulum University. (Corresponding Author)

habibollahi@gmail.com

****. Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.



cultural approach, the general cultural process based on the message of this verse is elucidated.

Keywords: Divine Traditions, Cultural Impact, Joy, Gratitude, Ingratitude for Blessings

How to cite

Khashei, F., Habibollahi, M., Shamshiri, M. R. (2024). The Cultural Impact Emphasizing Divine Traditions in Verse 7 of Surah Ibrahim on Promoting Joy and Hope in Society. *Quran, Culture And Civilization*, 4(4), 111-133. doi: 10.22034/jksl.2023.390581.1211

تأثیر فرهنگ‌سازی با تکیه بر سنت‌های الهی موجود در آیه ۷ سوره ابراهیم، بر ایجاد نشاط و امید در جامعه *



فاطمه خاشعی **

10.22034/JKSL.2023.390581.1211 doi

مهدی حبیب الهی ***

20.1001.1.27833356.1402.4.4.5.2

محمدرضا شمشیری ***

مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

چکیده

ایجاد روحیه نشاط و امید در جامعه، ضمن فواید گوناگون، موجب می‌شود مردم با انرژی مضاعف تلاش کنند و در سایه این فعالیت‌های پرشور، پیشرفت همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف حاصل شود. اکنون سؤال این است که چگونه نشاط و امید را در جامعه ایجاد کنیم و سطح آن را ارتقا دهیم؟ در این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی، آیه ۷ سوره ابراهیم بررسی و معلوم شد که این آیه حاکی از دو سنت الهی در رابطه با آثار شکرگزاری و کفران نعمت است. روحیه شکرگزاری و دوری از کفران، عاملی بی‌بدیل در ایجاد و ارتقای سطح امید، شادی، شور و تکاپو، تلاش، قدرشناسی و مثبت‌نگری است. هدف این تحقیق، اثبات این مدعاست که سنن الهی این آیه با توجه به ویژگی‌هایش، پیامی دارد که موجب می‌شود فرهنگ‌سازی عمومی طبق آن، نقش چشمگیری در ایجاد روحیه شکر و دوری از کفران و در نتیجه، گسترش نشاط و امید در جامعه داشته باشد. در این راستا، پس از تعریف سنت‌ها و بررسی ویژگی‌های آن‌ها، به اثبات وجود دو سنت در آیه ۷ سوره ابراهیم پرداخته شده است؛ سپس تأثیر هریک از ویژگی‌های این دو سنت بر تبلور روحیه شکر و دوری از کفران بررسی گردید. در ادامه اثر این روحیه در ایجاد نشاط و امید مورد

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فاطمه خاشعی» تحت عنوان «تحلیل کاربردی چگونگی مدیریت در حوزه زندگی فردی طبق آموزه‌های قرآنی با تکیه بر سنت‌های الهی» است که با راهنمایی «دکتر مهدی حبیب الهی» و مشاوره «دکتر محمدرضا شمشیری» در «دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)» انجام پذیرفته است.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

*** استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، (نویسنده مسئول) <mailto:habibolahi@gmail.com>

**** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران





توجه قرار گرفت و در نهایت، با الهام از روش فرهنگ‌سازی قرآن، چگونگی فرهنگ‌سازی عمومی طبق پیام این آیه تبیین گردید.

واژگان کلیدی: سنت‌های الهی، فرهنگ‌سازی، نشاط، شکر، کفران نعمت

استناد به این مقاله:

خاشعی، فاطمه، حبیب الهی، مهدی، شمشیری، محمدرضا. (۱۴۰۲). تأثیر فرهنگ‌سازی با تکیه بر سنت‌های الهی موجود در آیه ۷ سوره ابراهیم، بر ایجاد نشاط و امید در جامعه. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۴(۴)، ۱۱۱-۱۳۳. doi:10.22034/jksl.2023.390581.1211.۱۳۳

۱. بیان مسئله

فرهنگ هر جامعه‌ای به فرهنگ افراد آن و فرهنگ افراد در تمام جوامع، به نوع آموزش‌هایی که در سطح عمومی داده می‌شود، بستگی مستقیم دارد؛ لذا همیشه با تنظیم نوع آموزش‌هایی که در سطح گسترده به مردم داده می‌شود، می‌توان نبض فرهنگی جامعه را در دست گرفت؛ بنابراین، اگر بخواهیم در جامعه به گونه‌ای فرهنگ‌سازی کنیم که روح نشاط و امید در آن موج بزند، می‌توانیم در زمینه دادن آموزش‌هایی که در این راستا تأثیرگذارند، در سطح وسیع و به اقشار مختلف، اقدام نماییم؛ مخصوصاً توجه به این مطلب که افزایش امیدواری و نشاط عمومی تأثیر مستقیم در افزایش رشد و پیشرفت در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی دارد، ضرورت پرداختن به آن را دوچندان می‌کند. اما مسئله اینجاست که برای ایجاد این سرزندگی و امیدواری، از چه آموزشی می‌توان کمک گرفت و چگونه باید فرهنگ‌سازی کرد تا سطح شادی و امیدواری در جامعه ارتقا پیدا کند؟ در این پژوهش به منظور یافتن راه‌حل این مسئله و با بررسی آیات قرآن، معلوم شد که آیه ۷ سوره ابراهیم در این زمینه، پیامی ویژه و راهکاری کاربردی ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است که هدف این نوشتار اثبات این است که توجه دادن به سنت‌های الهی موجود در این آیه و ویژگی‌هایی که این آیه به همین دلیل داراست، تأثیری به‌سزا در ایجاد روحیه شکرگزاری و دوری از کفران و به‌دنبال آن ایجاد نشاط و امید در جامعه دارد؛ نه فقط آموزش معنا و تفسیر آیه بدون توجه به اینکه از دو سنت الهی حکایت می‌کند؛ وگرنه شاید بسیاری از افراد از مفهوم این آیه مطلع باشند و حتی بتوانند در مورد آن مدتی صحبت کنند، اما چون به پیام‌هایی که به دلیل سنت بودن دارد توجهی ندارند، تغییر محسوسی در سطح نشاط و امید آن‌ها ایجاد نشده است. به این منظور، ابتدا به تعریف سنت‌های الهی و بررسی برخی از ویژگی‌های آن‌ها پرداخته‌ایم و سپس با اثبات اینکه آیه ۷ سوره ابراهیم به دو مورد از سنن الهی اشاره دارد و با تمرکز بر ویژگی‌هایی که این آیه به دلیل سنت بودن دارد، تأثیر فرهنگ‌سازی مطابق با آن در ایجاد شادی و امیدواری روشن گشت و با توجه به روش‌های فرهنگ‌سازی در قرآن، بعضی از راهکارهای کاربردی در این راستا ارائه گردید. شایان توجه است که پس از جستجوی بسیار در بین پژوهش‌های مختلف موجود، حتی یک پژوهش که رویکردی مشابه با تحقیق حاضر داشته باشد و از منظر سنت‌های الهی موجود در آیه ۷ سوره ابراهیم یا آیات دیگر، به فرهنگ‌سازی برای ایجاد نشاط و امید در جامعه پرداخته باشد،



یافت نگردید. البته در مورد عواملی که موجب ایجاد نشاط اجتماعی می‌گردند تحقیقاتی انجام شده که به‌عنوان نمونه مقاله یزدانی: «ارائه مدل توسعه نشاط اجتماعی با رویکرد فراترکیب» یا مقاله نظری: «بررسی عوامل اثرگذار در ایجاد شهر شاد؛ نمونه موردی: شهر همدان» یا مقاله فرجی و خادمیان: «بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی» از آن جمله است. همچنین پژوهش‌هایی در رابطه با ایجاد و افزایش امیدواری صورت گرفته که به‌عنوان مثال مقاله جلالی نوبری: «راهکارهای رفتاری افزایش امید (امیدآفرینی) در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی» یا مقاله تبریزیان: «تدوین بسته آموزشی امید مبتنی بر شکرگزاری و امکان‌سنجی آن در افزایش رضایت از زندگی» یا مقاله پرچم و محققیان: «بررسی تطبیقی راهکارهای ایجاد و افزایش امید از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر و قرآن کریم» از آن جمله است؛ ولی هریک از زاویه‌ای متفاوت با این پژوهش به این موضوعات توجه کرده است. در مورد آیه ۷ سوره ابراهیم هم مفسران و پژوهشگران سخن بسیار گفته‌اند؛ ولی هیچ‌کدام با رویکرد تحقیق حاضر به این آیه پرداخته‌اند.

۲. تعریف سنت‌های الهی و ویژگی‌های آن‌ها

در جهان و بر زندگی بشر قوانین ثابتی حکمفرماست که از سوی خداوند و براساس حکمت و مصلحت او، به‌منظور تدبیر امور انسان‌ها جریان یافته است و قرآن آن‌ها را با عنوان «سنت‌های الهی» مورد توجه قرار می‌دهد. طبق آموزه‌های اسلامی، این سنن بر ذره‌ذره عالم هستی و بر تمام انسان‌ها حکومت می‌کند و هر عملی از هر کسی سر می‌زند، او را مشمول سنتی می‌کند. این قانون‌ها، هم بر زندگی فردی و هم بر حیات اجتماعی بشر حاکم است و هر انسانی در هر زمان و تحت هر شرایطی که باشد، مشمول یک یا چند سنت الهی قرار می‌گیرد. توجه به جریان سنت‌های الهی، بیدارکننده و حرکت‌آفرین است و انسان را برای اعمال خوب و پرهیز از افکار و اعمال نادرست برمی‌انگیزد (رجبی و تهامی، ۱۴۰۰، ش ۸۲)؛ چراکه نشان می‌دهد بر تاریخ بشر تضاد و اتفاق یا شانس و اقبال فرمان نمی‌راند (حیبی و تیموری، ۱۳۹۷، ش ۱۹). این قوانین ویژگی‌هایی دارد که به آن شناخته می‌شود. تکرار و استمرار یکی از این ویژگی‌هاست که اقوال دانشمندان علوم اسلامی با صراحت بر آن دلالت دارد (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۸، ۱۸۲؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸، ۳۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ۳۴۰؛ مکارم‌شمیرازی، ۱۳۷۹، ش ۱۱۶

ج ۱۷، ۴۹۳). دلیل این امر، تطابق سنن الهی با اصل علیّت است. این اصل از بنیادی‌ترین اصول هستی است که هرگونه تضاد و اتفاق را محال اعلام کرده است و تنها با تکیه بر آن می‌توان وجود و بقای ممکنات را توجیه و معقول نمود (آقاجانی، ۱۳۹۳، ش ۴۵). امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَجْرِي الْأُمُورَ عَلَى مَا يَتَضَيِّهِ لَا عَلَى مَا تَرْتَضِيهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ق ۲۲۲): خداوند جریان امور جهان را طبق اقتضای علل آن می‌گرداند نه طبق رضایت شما.

قانون علیّت و در نتیجه آن، ضرورت علیّ و معلولی، بر اجتماع و تاریخ همان‌گونه حاکم است که بر سایر امور (مطهری، ۱۳۷۸، ش ۱۲۴)؛ بنابراین، تحقق لازمه‌های هریک از سنن الهی موجب قطعی شدن جریان آن است. استاد مطهری در تبیین تأثیر دعا و صدقه در دفع بلا یا بر این اعتقاد است که قبل از ورود این عوامل، شرایطی حکمفرماست که نتایج مخصوص به خود دارد؛ ولی هنگامی که این عوامل ایجاد می‌شود، شرایط عوض می‌شود و عنصر خاصی وارد میدان می‌شود. بدیهی است که در شرایط جدید قانون دیگری حاکم می‌شود (همو، ۱۳۸۶، ش ۱۳۱). درعین حال، طبق آیات متعدد، سنت‌های الهی هرگز دچار تغییر، تبدیل یا تحویل نمی‌شود.^۱ در بعضی از این آیات^۲ از لفظ «لن» استفاده شده است که برای نفی ابد به کار می‌رود و لذا به این مفهوم است که هرگز تبدیل و تحویل و تغییری در سنت الهی ایجاد نمی‌شود (طیب، ۱۳۷۸، ش ۱۲، ج ۱۲، ۲۱۳). اصل سنخیت علیّت دلیل این ویژگی است.

ویژگی دیگر سنن الهی این است که به یک منطقه، قوم یا ملت خاصی اختصاص ندارد و از عمومیت برخوردار است (مرادخانی تهرانی، ۱۳۸۶، ش ۱۰۸). این سنت‌ها فراگیر و تخلف‌ناپذیر است (حامد مقدم، ۱۳۸۳، ش ۱۴). درحقیقت، خدا برای جهان، نظام و قانونی پدید آورده که هیچ کاری بیرون از آن انجام نمی‌گیرد؛ همان‌طوری که هیچ حادثه طبیعی بدون علت طبیعی رخ نمی‌دهد (مطهری، ۱۳۷۸، ش ۱۳۴ - ۱۳۵). از طرفی، این سنن با اراده انسان تطابق دارد؛ به این مفهوم که هریک از آن‌ها، پس از تحقق علل آن که در اختیار انسان است، به اجبار تحقق می‌یابد و لذا انسان با تنظیم انتخاب‌های خود می‌تواند در معرض سنن متفاوت الهی قرار گیرد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد: ۱۱): خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی

۱. فاطر: ۴۳؛ احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳؛ اسراء: ۷۷.

۲. فاطر: ۴۳؛ احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳.



را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. بنابراین، هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی‌رسند، مگر اینکه عوامل بدبختی را از خود دور سازند و درعین حال، خدا یک ملت خوشبخت را بدبخت نمی‌کند، مگر آنکه خودشان عوامل بدبختی را برای خود فراهم کنند؛ چون خدا قانون خود را عوض نمی‌کند. ما باید خود را عوض کنیم (همان، ۱۲۷). پس گرچه سنن الهی ثابت است و به صورت جبری جریان دارد، انسان مختار است که با تنظیم اعمال خویش، خود را در معرض سنت‌های مختلف قرار دهد و از آنجا که اراده انسان در جاری شدن این قوانین نقش دارد، از قابلیت تحلیل علمی و بررسی برخوردار است و انتساب آن‌ها به خداوند به معنای امکان نبودن فهم و دریافت اسباب و علل جریان اراده الهی نیست. همچنین این قوانین مربوط به زندگی دنیوی انسان است و در همین عالم تحقق می‌یابد؛ گرچه ممکن است آثار آن‌ها در جهان دیگر نیز ادامه یابد؛ بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تکرار و استمرار، عمومیت، قطعیت، تنافی نداشتن با اصل علیت، تطابق با اختیار انسان، دنیوی بودن و تغییرناپذیری از ویژگی‌های سنن الهی است.

۳. آیه ۷ سوره ابراهیم؛ حاکی از دو سنت الهی

خداوند در آیه ۷ سوره ابراهیم می‌فرماید:

«وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» و همچنین به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است».

این آیه به لحاظ ظاهری دو قسمت دارد: «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» و «وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». در قسمت اول، رابطه بین عمل شکرگزاری با نتیجه آن با سه تأکید^۱ و در قسمت دوم نیز رابطه بین کفران نعمت با عذاب شدید الهی به صورت رابطه شرط و جزا مطرح گردیده است. بررسی آیات دیگر قرآن به روشنی نشان می‌دهد که هر دو قسمت این آیه دارای همه ویژگی‌های سنن الهی است. به‌عنوان نمونه، در برخی آیات به نزول نعمت و رحمت در اثر شکرگزاری اشاره می‌فرماید:

۱. این سه تأکید عبارت است از: لام در «لَئِن» (لام موطنه برای قسم)، لام در «لَأَزِيدَنَّكُمْ» (لام قسم)؛ نون تأکید ثقیله در «لَأَزِيدَنَّكُمْ» (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ۱۵۹).



«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ»^۱
 ما بر آن‌ها تندی‌های فرستادیم که ریگ‌ها را به حرکت درمی‌آورد [و همه را هلاک کردیم]؛ جز خاندان لوط را که سحرگهان نجاتشان دادیم. این نعمتی از ناحیه ما بود. این‌گونه هر کسی را که شکر کند، پاداش می‌دهیم.

در این آیات، ابتدا به عذابی که به قوم لوط نازل شد و سپس از نجات خاندان او توجه داده شده و در آخر، علت این عنایت و نعمت ویژه‌ای را که خاندان لوط مشمول آن شدند، شکرگزار بودن آن‌ها معرفی فرموده است. جالب اینکه نحوه بیان اعطای این نعمت به گونه‌ای است که معلوم می‌کند این فقط به آن‌ها اختصاص نداشته است و هرکس شکرگزار باشد، مشمول این پاداش الهی می‌شود: «كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ». همچنین در آیات متعددی، سرنوشت صاحبان نعمتی را بیان می‌کند که در اثر کفران نعمت دچار عذاب الهی شدند و به این ترتیب نشان می‌دهد این سنتی است که برای تمام امت‌ها وجود داشته و در تمام زمان‌ها و وقتی علت آن ایجاد می‌شده، برای کسانی که مشمول آن می‌شدند جریان پیدا می‌کرده است:

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَیْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ * ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ»^۲
 محل سکونتشان نشانه‌ای [از قدرت الهی] بود؛ دو باغ [بزرگ و گسترده] از راست و چپ [و رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان. به آن‌ها گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده [و مهربان]. اما آن‌ها [از خدا] روی‌گردان شدند و ما سیل و یرانگر را بر آنان فرستادیم. دو باغ [پربرکت]شان را به دو باغ [بی‌ارزش] با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را به خاطر کفرانشان به آن‌ها دادیم و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم!؟

این آیات اشاره به جریان سنت کفران بر یک قریه یا قبیله با نام مشخص دارد (آقاجانی، ۱۳۹۳ش، ۴۲). در این آیات، ابتدا بعضی از نعمت‌های مختلفی را که در آن غوطه‌ور بودند بیان

۱. قمر: ۳۴-۳۵.

۲. سبأ: ۱۵ تا ۱۷.



می‌فرماید؛ سپس اعراض آن‌ها از شکرگزاری و به‌دنبال آن نزول عذاب الهی و در آخر، به‌عنوان نتیجه‌گیری از این ماجرای دردناک، با صراحت به این اشاره می‌فرماید، این مجازاتی بود که ما به خاطر کفرانشان قائل شدیم؛ اما برای اینکه تصور نشود این سرنوشت فقط مخصوص به همین گروه بود، بلکه عمومیت آن نسبت به همه کسانی که دارای اعمال مشابهی هستند روشن شود، چنین می‌افزاید: «آیا جز کفران‌کنندگان را به چنین مجازاتی گرفتار می‌سازیم؟» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۸، ۶۰).

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَّاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۱ خداوند [برای آنان که کفران نعمت می‌کنند] مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.

در این آیه نیز سرگذشت مردم قریه‌ای را بیان می‌فرماید که اهلش از هر شری که جان و عرض و مالشان را تهدید کند در امنیت بودند و برای روزی، نیازی به پیمودن کوه و دشت نداشتند و رزق پاک و بسیاری از هرسو به طرف ایشان سرازیر بود؛ اما اهل این قریه کفران نعمت کردند. خدا هم به گرسنگی و ترس که از مصادیق نعمت و عذاب اوست گرفتارشان کرد؛ به‌طوری‌که آن عذاب مثل لباس آنان را احاطه کرد و راه چاره را به رویشان بست (طباطبایی، ۱۳۹۳ش، ج ۱۲، ۵۲۳).

بررسی سخنان معصومین علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که آیه ۷ سوره ابراهیم دارای ویژگی‌های سنی الهی است. ایشان بارها در روایات متعدد و با بیان‌های گوناگون، شکر را عامل فزونی و کفران را علت عذاب معرفی می‌کردند:

ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ فَتَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۹۵): هنگامی که خداوند به بنده‌ای نعمتی را عطا می‌فرماید، پس آن بنده در دل، آن نعمت را می‌شناسد و به زبان شکر می‌کند، پس کلام او تمام می‌شود؛ درحالی‌که دستور داده می‌شود که برای او زیاد کنند.

۱. نحل: ۱۱۲.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که توفیق چهار چیز پیدا کند، از چهار چیز محروم نخواهد شد: ... کسی که توفیق شکرگزاری پیدا کند، از فزونی روزی محروم نخواهد شد.» (شریف رضی، ۱۳۸۸ ش، ۷۶۸). همچنین می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ.» (همان، ۷۳۴): هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شما می‌رسد، دنباله آن را به واسطه کمی شکرگزاری از خود دور نسازید. در حدیث دیگری آمده است:

أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمَ عَلَيَّ مِنْ شَكَرِكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنَّعْمِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا إِقَامَةَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ، وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعْمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۳۵۹): شکر کسی را که به تو نعمت داده به جا بیاور و به کسی که از تو تشکر می‌کند انعام کن؛ پس قطعاً نعمتی که شکر آن به جا آورده شود، زوال نمی‌یابد و نعمتی که کفران شود، باقی نمی‌ماند. شکر موجب زیاد شدن نعمت و ایمنی یافتن از فقر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَسْرَعُ الذُّنُوبِ عُقُوبَةً كَفْرَانُ النَّعْمَةِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱۰، ۲۸): گناهی که عقوبت آن سریع‌تر از سایر گناهان به انسان می‌رسد، کفران نعمت است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّهُ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۴۵۷): تا زمانی که بندگان از شکرگزاری به درگاه خدا دریغ نمی‌دارند، ازدیاد نعمت و تفضلات خداوند نیز از آن‌ها دریغ نخواهد شد. «إِنَّ مَنْ عَرَفَ نِعْمَةَ اللَّهِ بِقَلْبِهِ، اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ يَطْهَرَ شُكْرَهَا عَلَيَّ لِسَانِهِ.» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ۳۱۰): قطعاً کسی که با قلب خود نعمت خدا را درک کند، از طرف خداوند عزوجل مستوجب فزونی نعمت می‌شود؛ قبل از اینکه با زبان خود شکرگزاری کند. روایات بسیاری در این زمینه وارد شده که پرداختن به آن‌ها از حوصله بحث فعلی خارج است؛ ولی موارد مذکور نیز کفایت می‌کند تا روشن شود که هر دو قسمت آیه ۷ سوره ابراهیم، دارای تمام ویژگی‌های سنت‌های الهی هستند.

مفسران قرآن نیز در تفسیر این آیه مطالبی فرموده‌اند که معلوم می‌کند هر دو قسمت آن، همه صفات سنت‌های الهی را داراست. علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که خدای تعالی این حقیقت را در چندین آیه اعلام کرده که شکر مایه فزونی و کفران باعث عذاب شدید است. ایشان آیه را مطلق دانسته که وعده و وعید آن اختصاص به دنیا یا آخرت ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۲، ۲۹). در تفسیر اطیب البیان تصریح شده است که خداوند به ازای هر شکر، یک نعمت زیاد



می‌فرماید (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ۳۶۴). تفسیر روشن، بعد از تبیین مفهوم کفران، آن را علتی برای عذاب شدید الهی معرفی می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ۲۲۲). مخزن العرفان اشاره می‌کند که اگر کسی کفران نعمت کند، علاوه بر اینکه نعمت از او گرفته می‌شود، مورد مجازات سخت واقع می‌شود (امین، ۱۳۶۱ش، ج ۷، ۶۶). در روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن آمده است که: «خدای تعالی وعده داد به شکر کردن زیادت نعمت و تهدید کرد به کفران نعمت انقطاع. او گفت: و اگر کفران کنی، عذاب من سخت است؛ یعنی عذاب کنم آن را که کفران نعمت می‌کند.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ۲۵۲). استاد مطهری به اینکه این آیه از سنت‌های الهی است تصریح می‌کند و می‌نویسد:

اگر بشر در مقابل نعمت‌ها و انعام‌های الهی، حالت سپاس‌گزاری و حق‌شناسی و قدردانی داشته باشد، سنت الهی بر این است که آن نعمت‌ها و انعام‌ها را افزایش بدهد و اگر به جای آنکه عکس‌العمل سپاس‌گزارانه داشته باشد و قدرشناس و حق‌شناس آن نعمت‌ها باشد، کفران و ناسپاسی و قدرناشناسی و حق‌ناشناسی کند، نه تنها موجب زوال آن نعمت است، بلکه موجب پیدایش یک نعمت هم به جای آن هست ... این یک اصل کلی است که در زندگی انسان، چه زندگی فردی، چه زندگی اجتماعی، دنیوی و اخروی جاری است. (مطهری، ۱۳۸۶ش، ج ۲۶، ۷۱۶).

پس سنت خدا در تداوم نعمت‌های ارزانی شده به جوامع یا تغییر آن‌ها، به نوع عملکرد انسان‌ها بستگی دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹ش، ۸۴). از تمامی این سخنان به‌راحتی برداشت می‌شود که شکر، علتی برای فزونی و کفران، علت عذاب الهی است که انسان با اختیار خود می‌تواند هر کدام را خواست بر زندگیش جریان دهد و نیز روشن می‌شود که این دو قانون در حیات دنیوی جریان دارند، حتمی و تکرارپذیر و از عمومیت برخوردارند و تغییری در آن‌ها ایجاد نخواهد شد؛ چنان‌که با صراحت و به صورت مطلق آورده شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که آیه ۷ سوره ابراهیم، با تصدیق آیات دیگر قرآن و روایات معتبر و نظرات مفسران قرآن، از دو مورد از سنت‌های الهی حکایت می‌کند.

۴. ویژگی‌های آیه ۷ سوره ابراهیم و تأثیر هریک بر تبلور روحیه شکرگزاری و دوری از کفران

از آنجا که آیه ۷ سوره ابراهیم حاکی از دو سنت الهی است، ویژگی‌هایی دارد که آن را عاملی مهم و تأثیرگذار در ایجاد و تثبیت و تقویت روحیه شکرگزاری و دوری از کفران می‌کند؛ چراکه آگاه کردن مردم از این ویژگی‌ها، موجب ایجاد نگرشی خاص به مفهوم این آیه می‌شود که در نتیجه آن، انگیزه و علاقه آنان برای شاکر شدن و نگرانی آن‌ها از اینکه مبادا در زمره کفران‌کنندگان درآیند افزایش می‌یابد و این امر باعث می‌شود که در این راستا جدیت به خرج دهند و تلاشی مثمرتر کنند. علت و چگونگی این امر به شرح زیر است:

(الف) توجه دادن افراد به تطابق سنن الهی موجود در این آیه با اراده انسان، باعث می‌شود امیدوار شوند که به دست خود می‌توانند در جهت برخورداری بیشتر از نعم الهی و جلوگیری از نزول نعمت و سلب نعمت و در نتیجه، بهتر شدن اوضاع زندگی خود گام‌های مؤثر بردارند. این امر موجب ایجاد و افزایش احساس مسئولیت در نحوه تفکر و عملکرد در افراد می‌شود و به تلاش برای کسب روحیه شکرگزاری و دفع روحیه منفی‌نگری و کفران ترغیب می‌کند. مسلماً چنین نگرشی که همراه با تلاش توأم با امید است، نشاط‌آور است.

(ب) توجه به اینکه طبق اصل علیت، روحیه کفران نعمت علتی تخلف‌ناپذیر و غیرقابل تغییر است برای ایجاد معلول سلب نعم و نزول نعم و روحیه شکرگزاری علتی حتمی است. برای معلول فزونی نعمت و روبه‌راه شدن اوضاع معیشت، موجب می‌شود افراد از کفران نعمت بیزار و به ایجاد روحیه قدرشناسی تشویق شوند و تلاش مضاعفی برای کسب این روحیه و دفع ناشکری کنند.

(ج) آگاهی از حتمی بودن سنن الهی موجب اطمینان به نتیجه تلاش در جهت ایجاد روحیه شکرگزاری و دفع کفران می‌شود و به این ترتیب، انسان را مصمم می‌سازد که نهایت توان خود را به کار گیرد تا از این موهبت محروم نشود.

(د) توجه به عام بودن سنن الهی باعث می‌شود هیچ انسانی اعم از کوچک و بزرگ و پیر و جوان و سیاه و سفید و ایرانی و غیرایرانی در هر زمان و هر کجای دنیا که باشد، نتواند خودش را از شمول این آیه مستثنی بداند و از کارکرد آن در مورد خودش ناامید شود. روشن است که این امر در تقویت انگیزه برای کسب روحیه شکرگزاری و گریز از کفران، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند.



ح) دنیوی بودن سنت‌های الهی از ویژگی‌های مهمی است که باعث تحریک اراده همه اقشار مردم برای شکرگزاری و دوری از کفران و به‌ویژه موجب می‌شود حتی کسانی که نسبت به پیامد اعمال خود در زندگی پس از مرگ توجه کمتری دارند، در این زمینه اهتمام جدی پیداکنند. ه) تکرارپذیری سنن الهی نشان از همیشگی بودن پیام این آیه دارد و اینکه هر بار که انسان شکرگزاری یا کفران نعمت می‌کند، باز هم مشمول پیامد هر کدام می‌شود. آگاهی از این امر باعث می‌شود که انسان مراقب باشد مدام شکرگزاری کند و از ناسپاسی با جدیت پرهیز نماید و حتی یک‌بار از این روش فاصله نگیرد و اگر به هر دلیل فاصله گرفت، سریع به آن برگردد و جبران نماید.

ی) سنن الهی تغییرناپذیرند و لذا همه می‌توانند یقین کنند که نتیجه شکرگزاری یا ناسپاسی خود را بدون کم و کاست و فارغ از هر نوع دگرگونی، دریافت خواهند کرد؛ بنابراین، با خیال راحت و طیب خاطر تلاش خواهند کرد که واجد صفت شکرگزاری و دافع صفت ناسپاسی از وجود خود شوند و آثار آن را در زندگی خود جریان دهند.

دقت در فواید فوق، به روشنی مشخص می‌کند که چگونه آشنا شدن با پیام سنت‌های الهی موجود در آیه ۷ سوره ابراهیم، موجب ترغیب افراد بر کسب روحیه شکرگزاری و ترهیب آن‌ها از داشتن روحیه ناسپاسی می‌شود و این چیزی است که نمی‌توان آن را به راحتی از راه‌های دیگر به دست آورد.

۵. شکر و دوری از کفران؛ دو عامل مؤثر در ایجاد نشاط و امید

شکرگزاری و دوری از کفران نعمت، آموزه‌های بسیار مهمی است که قرآن مکرر و در قالب‌های مختلف امر، نهی، بیان عواقب و آثار و روش پیامبران به آن پرداخته و خاطر نشان کرده است که شکر و کفران شما هیچ سود و زیانی برای خداوند ندارد و آثار آن فقط به خودتان برمی‌شود: «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان: ۱۲).

از آثار حتمی و جدانشدنی شکر و دوری از کفران، ایجاد نشاط و امید در انسان است؛ چراکه اولاً با شکرگزاری، توجه انسان به نعمت‌هایش جلب می‌شود و داشته‌هایش را می‌یابد و متوجه می‌شود که نداشته‌هایش در برابر آنچه دارد هیچ است و حاضر نیست نعمت‌هایش را با کل دنیا معاوضه کند؛ در نتیجه، احساس دارایی و خوشبختی می‌کند. بالعکس، انسان ناشکر، منفی‌نگر

است و همواره به آنچه ندارد، می‌اندیشد و به آنچه دارد توجهی ندارد؛ لذا همیشه احساس بدبختی می‌کند؛ چنان‌که می‌توان گفت: انسان ناسپاس خوشبخت، وجود ندارد. در عین حال، این نشاط و غم‌زدایی باعث می‌شود انسان بهتر فکر و تلاش کند و به این ترتیب، بتواند مواهب بیشتری به دست آورد که خود عامل ایجاد امید و شادمانی است؛ ثانیاً شکرگزاری انسان را متوجه الطاف پروردگار و عظمت فوق‌العاده ذات اقدسش می‌کند. حضرت علی علیه السلام در مقام دعا می‌فرماید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ وَسَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَدَلِيلًا عَلٰى اٰلَانِهِ وَعَظَمَتِهِ.
(شریف‌الرضی، ۱۳۸۸ش، ۳۳۶): ستایش مخصوص خداوندی است که «حمد» را کلید یادآوری قرار داده و آن را سبب ازدیاد فضل و رحمتش و راهنمای نعمت‌ها و عظمتش گردانیده است.

جمله «دلیلاً علی آلائه و عظمته» اشاره به این است، هنگامی که حمد و شکر خدا را به جا می‌آوریم، هم به نعمت‌های گوناگون او توجه می‌کنیم و هم به مقام عظمتش (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۶، ۱۶۵). توجه به عظمت پروردگار، غیرخدا را در نظر انسان کوچک و بی‌اعتبار می‌کند: «عِظْمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغَّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ». (شریف‌الرضی، ۱۳۸۸ش، ۷۶۴): بزرگی خالق نزد تو، مخلوق را در چشمت کوچک می‌کند. در نتیجه، امید انسان از غیرخدا قطع می‌شود و با همه وجود به او پناه می‌برد و فقط از او درخواست می‌کند و به این طریق مشمول عنایات خاص خدا و استجابات و تفضلات او می‌شود که خود عاملی شادی‌آفرین است. انسان شکرگزار توجه دارد که ولی نعمت امروز و دیروز و فردا خداست و همان‌گونه که امروز انسان را در نعم بی‌شمار خویش غوطه‌ور ساخته، فردا نیز او را رها نخواهد کرد. پس با تکیه بر خداوند مهربانی که همواره او را مرهون الطاف بی‌کران خویش قرار داده، با نشاط به آینده‌ای درخشان امیدوار خواهد بود.

ثالثاً روحیه شکرگزاری، در ارتباطات اجتماعی و روابط انسانی تأثیری بسیار مثبت می‌گذارد؛ چراکه فضیلتی است که با قدرشناسی همراه است و انسان قدرشناس نه تنها ارزش نعمت‌های الهی را می‌داند، بلکه قدر زحمات‌های دیگران را نیز می‌شناسد و به جای داشتن توقعات بسیار از هم‌نوعان خویش، به کمترین کارهای مثبت آن‌ها توجه و از الطاف ایشان قدردان می‌کند و درصدد جبران نیکی‌ها برمی‌آید؛ چراکه از طرفی این اقتضای روحیه قدرشناسی است و از طرف دیگر



می‌داند که در تعالیم دینی، تشکر از خلق خدا امری ضروری دانسته شده است؛ به طوری که اگر کسی از مخلوق تشکر نکند، شکر خالق را نیز به‌جا نیاورده است؛ چنان‌که در حدیث آمده است:

يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَشَكَرْتَ فَلَنَا؟ فَيَقُولُ: بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ. فَيَقُولُ: لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ. ثُمَّ قَالَ: أَشَكَرْتُكُمْ لِلَّهِ أَشَكَرْتُكُمْ لِلنَّاسِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۹۹): روز قیامت خداوند به بنده‌ای از بندگانش می‌فرماید: آیا از فلانی تشکر کردی؟ او می‌گوید: پروردگارا از تو تشکر کردم. خداوند می‌فرماید: چنانچه از او تشکر نکردی، مرا نیز شکرگزاری ننموده‌ای. سپس می‌فرماید: سپاسگزارترین شما از خدا کسانی هستند که از همه بیشتر شکر مردم را به‌جا می‌آورند.

احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج نهادن و سپاس از آن‌ها که با علم و دانش یا با فداکاری و شهادت یا با سایر مجاهدت‌های خویش در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده‌اند، یکی از عوامل مهم حرکت و شکوفایی و پویایی جامعه است. در اجتماعی که روح قدردانی مُرده باشد، کمتر کسی علاقه و دلگرمی به خدمت پیدا می‌کند و به‌عکس، آن‌ها که بیشتر از زحمات و خدمات اشخاص قدردانی می‌کنند، ملت‌هایی با نشاط‌تر و پیشروترند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۰، ۲۸۲ - ۲۸۳). واضح است که این قدرشناسی تا چه اندازه باعث ایجاد محبت و همدلی بین مردم می‌شود و در روحیه افراد و دلگرم شدن آن‌ها در خدمت‌رسانی به دیگران و نشاط و موفقیت ایشان تأثیر می‌گذارد و به‌تبع آن، به پیشرفت جامعه کمک می‌کند. بنابراین، روحیه شکرگزاری و دوری از کفران نعمت، به دنبال خود امیدواری، نشاط، حال خوب، مثبت‌نگری، عشق به ولی نعمت، قدرشناسی، دوری از منفی‌بافی، افزایش نعمت و بهبود معیشت را ایجاد می‌کند و این امور باعث می‌شود افراد با انرژی هرچه تمام‌تر، به تلاش و فعالیت بپردازند؛ لذا اگر بتوانیم در جامعه به گونه‌ای فرهنگ‌سازی کنیم که این روحیه در مردم تبلور پیدا کند، در ایجاد جامعه‌ای شاد و امیدوار و پویا، گامی اساسی و مؤثر برداشته‌ایم.

به این ترتیب می‌توان گفت که پیام آیه ۷ سوره ابراهیم در ابعاد مختلف زندگی هر فرد و به دنبال آن در بعد اجتماع اثرگذار است و اگر در سطح جامعه و بین اقشار مختلف مردم انتشار داده شود، گام بلندی در راستای ایجاد محبت و توجه به خداوند متعال و ذکر و یاد او در سطح عمومی

و فرهنگ‌سازی قرآنی جامعه و حرکت آن به سوی رشد و پیشرفت برداشته می‌شود و می‌توان در پرتو آن، زیست فردی، جمعی، مادی و معنوی انسان‌ها را بهبود بخشید و روح نشاط و امید را در آن زنده و پاینده کرد.

۶. فرهنگ و روش‌های فرهنگ‌سازی در قرآن

معنای نخستین واژه «فرهنگ» دانش و ادب و نیز عقل و خرد بوده است؛ ولی امروزه برای باورها، سنت‌ها، آداب، رسوم، اخلاق، منش‌های فردی و اجتماعی، بینش‌ها و روش‌های فردی و گروهی، ارزش‌های موردقبول و معیارهای ارزش‌گذاری به کار می‌رود و این مفاهیم با معنای نخستین این واژه ارتباطی وثیق دارد (ترابی، ۱۳۸۷، ۴ - ۵). البته فرهنگ از منظرهای مختلف مورد تعریف و بررسی قرار گرفته است، ولی اگر بخواهیم این نظرات را به لحاظ عینیت و وجود واقعی فرهنگ در یک نقطه مشترک کنار هم بگذاریم، شاید بتوان گفت نقطه مشترک همه آن‌ها عبارت است از باورها و ارزش‌ها، به‌علاوه مظاهر و تجلیات آن دو در عینیت زندگی انسان (صدر، ۱۳۸۷، ۲۷). به این ترتیب، اگر دین‌الهی را عامل اصلی اصلاح فرهنگ بشر بدانیم، دور از واقع سخن نگفته‌ایم؛ چنان‌که هدف اساسی ادیان الهی نیز مؤید همین واقعیت است.^۱

قرآن به‌عنوان کامل‌ترین کتاب الهی یک سلسله باورهای متعالی را به بشر عرضه کرده است تا با تحول در بینش و ارزش، تمام ساحت‌های زندگی وی را تحت تأثیر قرار دهد و اصلاح کند. قرآن برای درونی‌سازی آن باورها و مؤلفه‌های فرهنگی نیز روشمند عمل نموده است؛ لذا الگوگیری از قرآن در فرهنگ‌سازی امری بسیار راهگشاست؛ خصوصاً که روش پیامبران و اصولی را که آنان برای ساختن فرهنگ رعایت می‌کردند نیز گزارش کرده است. درحقیقت، آنچه پیامبر اکرم ﷺ و سایر پیامبران انجام دادند که به معنای واقعی، اصلاح فرهنگ بشری در کلیت آن بود، با آموزه‌های قرآن قابل دسترسی است؛ بنابراین، قرآن به‌عنوان کتابی که هم آموزه‌ها و هم روش‌ها را در معرض نگاه انسان قرار داده است، می‌تواند راه مناسبی برای به‌دست آوردن روش‌های فرهنگ‌سازی به شمار آید. بعضی از این روش‌ها عبارت است از: روش‌نگری و آگاه‌سازی؛^۲ تبیین و توضیح^۳ که

۱. آل عمران: ۱۶۴؛ اعراف: ۱۵۷.

۲. آل عمران: ۴۴؛ یوسف: ۱۰۲؛ ص: ۶۷؛ فاطر: ۱۴؛ هود: ۱۲۰؛ التوبه: ۶۴.

۳. آل عمران: ۱۱۸ و ۱۰۳؛ نحل: ۴۴.



در راستای آن از تشریح مسائل^۱ و تمثیل^۲ و نیز از یادآوری گذشته^۳ استفاده می‌کند؛ تکرار که حکمت‌های گوناگونی از جمله تذکر و یادآوری، پندپذیری، عبرت‌گیری، آگاه‌سازی، تأکید، تقریر، تعظیم، تهویل، وعید و تهدید، تعدد متعلق، طولانی شدن سخن و بیم فراموشی، مقبولیت کلام، دفع توهم، فهم ابعاد مختلف موضوع، تعجب، مدح، مبالغه در مذمت، استبعاد و ایجاد زمینه تدبیر دارد (مشتاق مهر و حسینی‌زاده، ۱۳۹۵ ش، ۱۷۲)؛ ارائه الگوهای شایسته^۴ که گاهی به توصیف ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد و توصیف «اولوا الالباب»، «مفلحون»، «عباد الرحمن»، «مؤمنون»، «متقون» از این نمونه است؛ چراکه با این توصیفات در صدد الگودهی به مخاطبان است (جانثاری و واعظی، ۱۳۹۸ ش، ۸۲)؛ ارائه الگوهای ناشایست،^۵ بیان سرگذشت‌های عبرت‌انگیز^۶ و ایجاد تنوع در بیان.^۷ بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت، روش‌های فوق که برای رعایت اختصار از بین روش‌های فرهنگ‌سازی قرآنی انتخاب گردید، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اندیشه، باور، ارزش، اخلاق، منش، بینش و روش‌های انسان‌ها تأثیر گذاشته و به‌این ترتیب، به‌کارگیری آن‌ها در سطح گسترده در ایجاد و تغییر و تقویت فرهنگ نقشی به‌سزا ایفا می‌کند.

۷. فرهنگ‌سازی مفهوم آیه ۷ سوره ابراهیم با الهام از روش‌های فرهنگ‌سازی قرآن

برنامه‌ریزی صحیح در جهت به‌کارگیری روش‌هایی که قرآن در راستای ساختن فرهنگ در زندگی بشر استفاده کرده و توضیح آن گذشت، در راستای فرهنگ‌سازی مفهومی دو سنت الهی موجود در آیه ۷ سوره ابراهیم بسیار راهگشاست. به‌این منظور، باید ابتدا مردم را از مفهوم سنت‌های الهی و ویژگی‌های آن‌ها و همچنین از پیام آیه ۷ سوره ابراهیم با توجه به دو سنت موجود در آن آگاه کرد. شاید بسیاری از افراد معنای این آیه را بدانند و حتی بتوانند مدتی در مورد شکر و کفران سخن بگویند، ولی اکثر مردم از اینکه این آیه حاکی از دو سنت الهی است که موجب شده بار معنایی و ویژگی‌های خاصی پیدا کند، مطلع نیستند و لذا این آگاه‌سازی می‌تواند باور آن‌ها را نسبت به پیامدهای شکر و کفران تغییر دهد و به‌این ترتیب، با تأثیر بر انگیزه و اراده، در عملکرد آن‌ها

۱. به‌عنوان نمونه: آیات ۷۲ تا ۷۶ سوره مائده یا بقره: ۱۸۷.

۲. به‌عنوان نمونه: بقره: ۲۶۶.

۳. به‌عنوان نمونه: آل عمران: ۱۰۳.

۴. احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶؛ ص: ۱۷، ۴۱، ۴۵ و ۴۸؛ احقاف: ۲۱؛ آل عمران: ۳۱.

۵. تحریم: ۱۰؛ یس: ۱۳؛ جمعه: ۵.

۶. یوسف: ۱۱۱.

۷. انعام: ۱۰۵؛ اسراء: ۴۱؛ طه: ۱۱۳.

نیز اثرگذار باشد. مسلماً این امر نیاز به تبیین و توضیح کافی و مکرر، با زبان‌ها و بیان‌های گوناگون، هم در مورد مفهوم و ویژگی‌های سنن الهی و هم در زمینه پیام سنن الهی موجود در این آیه دارد تا بتواند افراد را نسبت به شکرگزاری ترغیب و نسبت به کفران ترهیب نماید. برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی حضوری یا مجازی در این زمینه و در سطح گسترده در تمامی شهرها و روستاها، با عناوینی که مردم را به شرکت در این کلاس‌ها جذب نماید، می‌تواند گام مؤثری در این زمینه باشد. انسان‌ها ذاتاً به دنبال جلب منفعت و دفع ضرر هستند؛ لذا اگر در انتخاب عنوان این آموزش‌ها به این ویژگی ذاتی توجه شود، در ایجاد انگیزه و قوی شدن اراده آن‌ها برای شرکت در این آموزش‌ها و آنگاه تنظیم عملکردشان بر پایه آنچه فراگرفته‌اند بسیار مؤثر است؛ مثلاً در این زمینه، عناوینی که به وضوح نشان می‌دهد که قرار است راهکارهایی کاربردی برای افزایش نعمت‌ها و جلوگیری از فقدان آن‌ها آموزش داده شود، می‌تواند در جذب افراد تأثیرگذار باشد. همچنین نوشتن و گفتن داستان‌ها و رمان‌ها و نیز ساختن فیلم‌ها و برگزاری تئاترهایی که مفهوم این دو سنت الهی و پیامد آن‌ها در زندگی را به تصویر بکشد، در راستای فرهنگ‌سازی مفهوم این دو سنت، بسیار مؤثر است. درعین حال، باید در شناخت و معرفی الگوهای شایسته در این زمینه جدیت به خرج داد. بررسی روحیه شکرگزاری در زندگی افراد موفق و بالعکس، بررسی روحیه منفی‌نگری و کفران نعمت در زندگی انسان‌های ناموفق، می‌تواند در یافتن الگوهای مناسب کمک‌رسان باشد. آگاه‌سازی مردم از سرگذشت انسان‌های شکرگزار یا ناشکر و تأثیر این ویژگی‌ها در تغییر سرنوشت آن‌ها نیز از جمله فعالیت‌های مؤثر در ایجاد نگرش و باورهای صحیح در این زمینه است. در این راستا، استفاده از داستان‌های قرآن که در آن‌ها سرگذشت اقوام مختلف بیان شده است مفیدفایده خواهد بود.^۱ نقش بی‌نظیر رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی را هم نباید فراموش کرد. رسانه‌ها به راحتی می‌توانند در انتقال این مهم، از طریق آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، روشنگری و آگاه‌سازی و الگوهای برجسته را معرفی کنند. استفاده از زبان فیلم و سریال و برگزاری میزگردها و بحث‌های جمعی در این زمینه و دعوت از سخنرانان محبوب و توانمندی که قدرت بالایی در انتقال مفاهیم دارند نیز از پتانسیل‌های رسانه‌ها در این زمینه است. استفاده از همه این روش‌ها موجب تنوع در انتقال مفهوم و تکرار آن به شیوه‌های مختلف می‌شود و در فراموش نکردن و ایجاد باور و نگرش صحیح نسبت به موضوع بسیار مؤثر است.

۱. به‌عنوان نمونه: نحل: ۱۱۲؛ سبأ: ۱۷ تا ۳۴؛ قمر: ۳۴ و ۳۵.



نتیجه‌گیری

طبق آیه ۷ سوره ابراهیم، انسان‌ها در اثر شکرگزاری مشمول افزایش نعمت و با ناسپاسی دچار عذاب می‌گردند که این عذاب طبق نظر مفسران قرآن، به شکل ازدست‌دادن نعمت و نزول نعمت است. از طرفی، این آیه به تصدیق آیات دیگر قرآن و روایات معتبر و نظر مفسران قرآن، حاکی از دو سنت الهی است؛ بنابراین، دارای تمام ویژگی‌های سنن الهی از قبیل تغییرناپذیری، حتمی‌بودن، مطابقت با اصل علیت، تنافی نداشتن با اراده انسان، دنیوی‌بودن، تکرارپذیری و عمومیت است. توجه به وجود این ویژگی‌ها در آیه ۷ سوره ابراهیم، بار معنایی آن را متفاوت می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که آگاه‌سازی مردم از این ویژگی‌ها، به‌طور ویژه، باعث ترغیب ایشان برای ایجاد روحیه شکرگزاری و ترهیب و تنفر آنان از ناسپاسی می‌شود؛ چراکه این آگاهی موجب می‌شود اطمینان یابند که هر که هستند و با هر شرایطی در هر کجا زندگی می‌کنند، همیشه می‌توانند با اراده و انتخاب خود شکرگزار باشند و به این ترتیب، طبق یک قانون حتمی و لایتغیر، علتی را در زندگی خویش فعال کنند که آن‌ها را مشمول معلول افزایش نعمت‌های مختلف در همین دنیا علاوه بر آخرت می‌کند و تا زمانی که به این صفت پایبندند، این اثر در زندگی ایشان جریان دارد؛ درعین حال، مطمئن می‌شوند که اگر شکرگزاری را انتخاب نکنند و راه کفران را بپیمایند، طبق یک قانون حتمی و غیرقابل تغییر دیگر، علتی در زندگی ایشان فعال می‌شود که آن‌ها را در همین دنیا نیز، مشمول معلول ازدست‌دادن نعمت و نزول نعمت می‌کند. چنین نگرشی قطعاً احساس مسئولیت انسان را نسبت به انتخاب و عملکردش دوچندان می‌کند و موجب تقویت انگیزه فرد برای ایجاد صفت شکرگزاری در خویش و پرهیز جدی از ناسپاسی خواهد شد؛ بنابراین، گرچه هیچ‌کس در مورد اهمیت شکرگزاری و دوری از ناشکری شک ندارد و بسیاری از افراد می‌توانند در فضیلت آن توضیحات مفصلی دهند، توجه به ویژگی‌های این آیه با توجه به سنن الهی موجود در آن، نگرشی تازه و احساس مسئولیتی فوق‌العاده ایجاد می‌کند که در عملکرد انسان تأثیری خاص و متفاوت خواهد گذاشت و این همان چیزی است که این مقاله درصدد اثبات آن برآمد.

روحیه شکرگزاری و پرهیز از ناسپاسی، توجه انسان را به نعمت‌های مختلف کوچک و بزرگی که در آن‌ها غوطه‌ور است جلب و به دنبال خود، امیدواری، نشاط، حال خوب، قدرشناسی، مثبت‌نگری، عشق به ولی نعمت، افزایش نعمت و بهبود معیشت ایجاد می‌کند؛ همچنین انگیزه



تلاش را بیشتر و افراد را نسبت به یکدیگر قدردان می‌کند و لذا در ایجاد روابط اجتماعی توأم با همدلی و صفا مؤثر است و به این ترتیب، پیام سنن الهی موجود در این آیه، می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار باشد؛ لذا اگر برنامه‌ای تدوین شود که به وسیله آن، پیام این آیه در جامعه انتشار یافته و مطابق با این پیام، فرهنگ‌سازی صورت گیرد، زندگی اجتماعی، فردی، مادی و معنوی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب ایجاد فرهنگ قرآنی در اجتماع و افزایش محبت و توجه به خداوند متعال و ذکر و یاد او در سطح عمومی می‌گردد و خواه‌ناخواه روح نشاط و امید را در اجتماع تزریق می‌نماید. در تدوین این برنامه، الگوگیری از روش‌های فرهنگ‌سازی در قرآن شایان توجه است؛ چراکه هدف اصلی قرآن، ایجاد فرهنگ صحیح است و مسلماً در این راستا از بهترین شیوه‌ها بهره‌گیری کرده است. روشنگری و آگاه‌سازی، تبیین و توضیح، تکرار، ارائه الگو، بیان سرگذشت‌های عبرت‌انگیز و تنوع بیان، از جمله روش‌هایی است که قرآن به کار گرفته است و استفاده از آن‌ها در راستای فرهنگ‌سازی طبق پیام این آیه نیز بسیار سودمند خواهد بود.



منابع

• قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

منابع فارسی

- ابراهیمی کیاپی، هادی، زرنگار، احمد، زارعی، حدیثه (۱۳۹۹ش). تأویل سنت‌های الهی در قرآن، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، (۴)، ۷۹-۱۰۳.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- امین، سیده نصرت (بانوی اصفهانی) (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۳ش). ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۳(۳)، ۳۲-۶۰.
- آقای زاده ترابی، احمد (۱۳۸۷ش). قرآن و مهندسی فرهنگی، پژوهش‌های قرآنی، ۱۴(۵۵-۵۴)، ۴-۲۳.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- جان‌نثاری، حسینی، واعظی، سید حسین (۱۳۹۸ش). نقش الگوهای اخلاقی در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم، علوم قرآن و حدیث، ۵۱(۲)، ۷۵-۹۶.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۸۳ش). سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ پنجم.
- حبیبی، محسن، تیموری، شهناز (۱۳۹۷ش). سنت‌های الهی در باب ظهور و سقوط تمدن‌ها از نظر علامه طباطبائی، اندیشه علامه طباطبائی، ۵(۸)، ۷-۴۱.
- رجبی، علی اصغر، تهامی، مرتضی (۱۴۰۰ش). سنت‌های الهی حاکم بر حرکت تاریخ از منظر قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۲۲(۲)، ۷۵-۱۱۰.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸ش). نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ ششم.
- صدر، سید موسی (۱۳۸۷ش). قرآن و شیوه‌های اصلاح فرهنگ، پژوهش‌های قرآنی، ۱۴(۵۵-۵۴)، ۲۶-۵۵.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۶ش). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه فضل الله یزدی طباطبائی، تهران: ناصر خسرو.
- طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الاسلامیه)، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۸۶ش). سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
- مشتاق مهر، علی، حسینی زاده، سید عبدالحمید (۱۳۹۵ش). حکمت تکرار آیات در قرآن مجید، تفسیر پژوهی، ۳(۵)، ۱۴۵-۱۷۶.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰ش). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش). جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی)، تهران: صدرا.
- ----- (۱۳۸۶ش). عدل الهی، تهران، صدرا.
- ----- (بی تا). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هیجدهم.
- ----- (۱۳۸۷ش). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

منابع عربی

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد مهدی یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دارالرشید مؤسسه الایمان.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط- بیروت)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

